

## Analysis and Study of the Methods of Monotheistic Doctrinal Education and its Philosophical Foundations in the Holy Quran

### ARTICLE INFO

**Article Type**  
Analytical Review

#### Aurhors

Ashraf Sadat Hosseini Mirsafi<sup>1</sup>  
Saeed Beheshti<sup>2\*</sup>  
Alireza Assareh<sup>3</sup>

#### How to cite this article

Ashraf Sadat Hosseini Mirsafi, Saeed Beheshti, Alireza Assareh, Analysis and Study of the Methods of Monotheistic Doctrinal Education and its Philosophical Foundations in the Holy Quran, Journal of Quran and Medicine. 2020;5(1):84-92.

1. PhD student in Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature, Social Sciences and Humanities, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Professor, Department of Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
3. Associate Professor, Department of Curriculum Studies, Shahid Rajaei Tarbiat University, Tehran, Iran.

\* Correspondence:

Address:  
Phone:  
Email: beheshti@atu.ac.ir

#### Article History

Received: 2020/01/15  
Accepted: 2020/04/27  
ePublished: 2020/05/19

### ABSTRACT

**Purpose:** The purpose of this study is to analyze and study the methods of recognizing and believing in monotheism based on its philosophical foundations in the Holy Quran.

**Materials and Methods:** This research is in the line of applied research and is a qualitative research. The research method is analytical-inferential. After referring to the Holy Quran and extracting the methods of religious education and philosophical foundations under the axes of proving the existence of God, explaining monotheism (intrinsic, attributes, actions, worship, legislation), communication with God and forbidding association with deniers of God

**Findings:** The research findings are: Methods: Awakening of nature, creating questions, reminders, explanations, examples, verses, compilations, historical, allegories, good debate, oratory, dialogue, questioning and philosophical principles: the divinity of human nature, forgetfulness Rebellion, weak creation, inherent dependence on the occurrence and survival and acceptance of God as Creator and eternity and eternity and His oneness and closeness to us and that the judgment is only from God was achieved.

**Conclusion:** The findings of this study can be used in order to apply in education, especially religious education, and in order to strengthen the beliefs of educators and deal with doubts.

**Keywords:** Educational Method, Doctrinal Education, Monotheism, Philosophical Principles, Quran

## تحلیل و بررسی روش های تربیت اعتقادی توحید و

## مبانی فلسفی آن در قرآن مجید

اشرف السادات حسینی میرصفی<sup>۱</sup>

دانش آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات، علوم اجتماعی و علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سعید بهشتی<sup>۲\*</sup>

استاد، گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

علیرضا عصاره<sup>۳</sup>

دانشیار، گروه مطالعات برنامه درسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

## چکیده

هدف: هدف از این پژوهش، تحلیل و بررسی روش های شناخت و باورمندسازی توحید براساس مبانی فلسفی آن در قرآن مجید می باشد.

مواد و روش ها: این پژوهش در ردیف پژوهش های کاربردی و از نوع پژوهش کیفی میباشد. روش پژوهش، تحلیلی-استنباطی است. پس از مراجعه به قرآن مجید و استخراج روش های تربیت اعتقادی و مبانی فلسفی ذیل محورهای اثبات وجود خدا، تبیین توحید (ذاتی، صفاتی، فعالی، عبادی، تشریحی)، ارتباط و انس با خدا و نهی از معاشرت با منکران خدا.

یافته ها: یافته های پژوهش عبارتند از: روشهای: بیدار نمودن فطرت، ایجاد سوال، تذکر، تبیین، مثالی، ایاتی، تلفیقی، تاریخی، تمثیل، جدال احسن، خطابی، گفتگویی، پرسشی و مبانی فلسفی: الهی بودن فطرت انسان، فراموشکاری، طغیانگری، ضعیف خلق شدن، وابستگی ذاتی در حدود و بقا و پذیرش خدا به عنوان خالق و ازلی و ابدی بودن و یکتایی و نزدیکی او به ما و اینکه، حکم فقط از طرف خداست به دست آمد.

نتیجه گیری: از یافته های این پژوهش می توان به منظور کاربست در تعلیم و تربیت به ویژه تربیت اعتقادی و در راستای تقویت بنیه های اعتقادی متربیان و مقابله با شبهات، بهره جست.

واژه های کلیدی: روش تربیتی، تربیت اعتقادی، توحید، مبانی فلسفی، قرآن مجید

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۸

\*نویسنده مسئول: beheshti@atu.ac.ir

## مقدمه

توحید، (خداشناسی و خداباوری)، یکی از مهمترین موضوعاتی است که بشر با آن مواجه است و از جایگاه و ارزش بالایی برخوردار است. امیرالمومنین علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: «أول الدین معرفتُهُ سر آغاز دین (شناخت او) خداشناسی است. (۱) هر که خدا را شناخت، معرفتش کامل گشت. (۲).

یکی از ارکان مهم اصول اعتقادی دین مبین اسلام توحید و خداباوری است. خداباوری از جمله دغدغه های مهم مربیان دینی و دست اندرکاران تعلیم و تربیت، به ویژه تعلیم و تربیت اسلامی می باشد. تلاش ها و مجاهدت های مربیان دینی با روش مندی های متبحرانه ای میتواند در دل های متربیان، تاثیر گذار باشند. هدف نهایی تربیت اعتقادی توحیدی معرفت خداوند است. از مهمترین آثار اعتقاد به توحید؛ احساس مسئولیت و تعهد اخلاقی است که موجب می شود فرد مسلمان احساس مسئولیت و تعهد اخلاقی در برابر تکالیف الهی پیدا کند و این حس اولین نشانه و اثرش التزام قلبی به انجام تکالیف و دستورات الهی می باشد. نوع دوستی یکی از آثار اعتقاد به توحید است. متربی با داشتن چنین حسی هرگز به دنبال خودپرستی و تعصب های نژادی و قبیله ای و یا مال و ثروت و همسر و فرزند نخواهد بود. همبستگی و وحدت جمیع ملت ها و نیز رسیدن به مقام اخلاص باعث اتصال به خداوند و به واسطه رسیدن به عالی ترین درجه اخلاص است. اعتقاد به توحید بر مبانی فلسفی چون؛ «انسان دارای فطرت الهی است»، «خداوند بی نیاز و انسان نیازمند است»، «انسان چون خود را بی نیاز بیند، طغیان می کند» و «انسان تنها با یاد خدا آرامش می گیرد»... استوار است و این مبانی با محوریت خداشناسی، جهان شناسی و انسان شناسی، از قرآن مجید استخراج شده است و به عنوان مبنا برای مدلولات آنچه ذیل اصول اعتقادی برای شناخت و باورمند سازی آمده است، در نظر گرفته شده است. با بهره گیری از مبانی فلسفی به تدوین روش ها و در پایان نتایج کاربردی و اعتقادی آنها پرداخته شد. بعد از مبانی فلسفی و برای تکمیل محور اعتقادی متربی به روشها و شواهد قرآنی پرداخته شد. این روشها عبارتند از؛ تذکر، تبیینی، تاریخی (انفسی) و تمثیلی (مثل)، جدال احسن، پرسشی و گفت و گویی... در این پژوهش به تحلیل و بررسی روش های تربیت اعتقادی شناخت و باورمندسازی توحید بر اساس مبانی فلسفی آن در قرآن مجید پرداخته شده است؛ و برای دستیابی به چنین هدفی این دو پرسش طرح شد: ۱- مبانی فلسفی روش های شناخت و باورمندسازی توحید کدامند؟ ۲- نتایج کاربردی روش های شناخت و باورمندسازی توحید کدامند؟

## مواد و روش ها

روش این پژوهش، تحلیلی - استنباطی است. این پژوهش در ردیف پژوهش های کاربردی و از نوع کیفی است. پژوهشگر می تواند با توجه به نتایج به تفسیر یافته ها بپردازد. در پاسخ به سوالات پژوهش، ابتدا با مراجعه به قرآن مجید و مبنا قرار دادن آن، به گرد آوری شواهد و مستندات قرآنی مرتبط، اقدام گردید؛ و همزمان با تهیه نقشه اجرایی پژوهش به گردآوری مطالب مرتبط به آن اقدام شد و آیات انتخاب شده در ذیل مباحث، مورد توجه و بررسی برای استخراج روش ها و مبانی قرار گرفت.

## یافته ها

۱- روش های اثبات وجود خدا  
اولین گام در شناخت خدا و سپس ایمان و باور به او، مسئله اثبات وجود خدا است. در قرآن مجید، خداوند سرچشمه کل هستی و مبدا تمام موجودات است.  
إِنَّا لِلَّهِ (سوره بقره، آیه ۱۵۶) ما از آن خدا هستیم.

• فَأَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَٰكِن أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (سوره روم، آیه ۳۰)

پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

این آیه به آیه فطرت معروف است و موضوع آن اعتقادی است و درباره گرایش فطری انسان به دین می باشد. بدیهی بودن، یکی از مهمترین ویژگی های فطرت خدانشناسی است.

از بین روش های اثبات وجود خداوند، راه فطرت و تبیین فطری بودن گرایش به خدا (مبدأ جهان) از همه راهها، ساده تر و عمومی تر می باشد. انسانها در بینش های فطری خود اختلافی با هم ندارند. به همین خاطر، خداوند برای هدایت بشر و از بین بردن حجاب های ظلمت، رسولان ظاهری، پیامبران و امامان علیهم السلام و رسول باطنی عقل را فرستاده تا آنان را به سوی حق، رهنمون باشند در اینجا به موضوعات دیگری از فطرت، به منظور تبیین فطری بودن خدانشناسی و خداگرایی در انسان اشاره می کنیم

۱-۱: فراموش کاری انسان: با وجود حجاب و زنگارهای فطری بر انسان معلوم می شود که انسان در دورانیهای دچار فراموشی و نسیان می شود. فراموش کردن آفرینش اولیه خداجویی فطری حتی در مشرکان (عارض شدن فراموشی) نهی از فراموشی خدا و عقوبت آن (غبار غفلت بر فطرت) فراموش شدن انسان از طرف خدا به واسطه فراموشی خدا است «انسان فراموشکار است و از عزم و اراده محکمی برخوردار نیست» و مبنای «انسان شناسی» آنرا تکمیل می کند.

• وَقُلْ عَهْدُنَا إِلَىٰ آدَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا

[http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A2%DB%8C%D9%87\\_115\\_%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A2%DB%8C%D9%87_115_%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87)

87 %D8%B7%D9%87 (سوره طه، آیه ۱۱۵)

و به یقین بیش از این با آدم پیمان بستیم، ولی آن را فراموش کرد و برای او عزمی استوار نیافتیم.

در تفسیر این آیه چنین آمده است که:

«آدم» عهد الهی را فراموش ساخت و اینکه خداوند با او عهد بسته بود که به درخت ممنوعه نزدیک نشود، اما او نزدیک شد و از آن درخت خورد و یکی از دلایل نامیدن آدمی به «انسان» می‌تواند ناظر به نسیان او باشد.»

در این آیه مراد از عهد و پیمان «همان فرمان نخوردن از گیاه مخصوص است و مراد از نسیان، دقت نکردن در انجام فرمان، و گرنه فراموشی مطلق، عتاب و انتقاد ندارد و منظور از «عزم» اراده محکم در برابر وسوسه های ابلیس است.» (۵)

• وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَٰسِقُونَ

[http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A2%DB%8C%D9%87\\_19\\_%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A2%DB%8C%D9%87_19_%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87)

7 %D8%AD%D8%B4%D8%B1 (سوره حشر، آیه ۱۹)

و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد؛ آنان همان نافرمانانند.

با تأمل در این آیه در می‌یابیم که خداوند، عده ای از فراموش کنندگان را، به عنوان نمونه می آورد و می فرماید: مثل آن ها نباشید. در این آیه، (و لا تکنوا) پیام هشدار دهنده است. «مومنان در معرض غفلت از یاد خدا هستند و ثمره غفلت از یاد خدا، گناه و انحراف است.» (۵) همچنین آیه به این اشاره می‌کند که خداوند با یادآوری فراموشی خدا در دیگران و بیان عقوبت آن، فراموشی خدا را به یاد می‌آورد

برای اثبات وجود خدا، راههای گوناگونی ذکر شده است. یکی از موضوعاتی که ما را به رساندن روش های اثبات وجود خدا هدایت می کند مفروض دانستن اصل وجود خداست.

الف: مفروض دانستن اصل وجود خداوند

با توجه به فطری بودن شناخت خداوند به اقتضای فطرت پاک انسانی اصل وجود خداوند، مفروض است و انسان بدون هیچ گونه آموزشی قادر است به واسطه شناخت ها و گرایش های فطری و درونی خود به شناخت جهان آفرینش و آفریننده ی آن بپردازد. فطرت، معرفت و گرایش درونی انسان نسبت به خداست. خضوع و خشوع درونی در برابر وجودی برتر و خالق قدر و متعالی است. گزاره «انسان دارای فطرت الهی است» با مبنای «انسان شناسی» تکمیل می گردد.

«دیدگاه قرآن در دعوت به توحید بر مبنای فطرت بوده و اصلی ترین طریق شناخت خدا، رجوع به فطرت پاک انسانی است.» (۳)

• فَأَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَٰكِن أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (سوره روم، آیه ۳۰)

پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدا تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. «در این آیه شریفه، به کیفیت سرشت انسان، فطرت اطلاق شده است که در اینجا، به معنای نوع خاصی از خلقت است. یکی از ساده ترین راههای خداآواری توحیدی به متریبان بیدارنمودن فطرت آنان است. این روش به عنوان مهمترین روش در تبیین، شناخت و تعمیق اصول عقاید و در اینجا در اصل توحید می توان از آن بهره جست. روش بیدار نمودن فطرت به دلیل نداشتن هرگونه جبر و تحمیل، از تاثیرپذیری بالایی برخوردار است. این است که خداوند، انسانها را بر اساس شناخت خود آفرید و اگر این گونه نبود، مردم نمی دانستند پروردگار و رازقشان کیست.

طرح سوال دومین روش در این قسمت است و بسیاری از آیات قرآنی با این روش سؤال کرده اند و به حکم فطرت پاسخ داده اند.

داستان حضرت ابراهیم (ع) و شکستن بت ها و متوجه کردن بت پرستان به فطرت شان نمونه ای از توحید فطری و اعتراف به وجود خداوند است و در این مرحله به معنای وابستگی ذات انسانی است. کافی است که انسان ز نگار عالم طبیعت را که یرده غفلت اوست، از صفحه دل بشوید» (۴)؛ و با چشم بصیرت به ضعف و فطرت خود بنگرد. بسیاری از آیات قرآن مجید با روشهای ذکر شده از اعتقاد به وجود خداوند، سؤال کرده اند و به حکم فطرت پاسخ داده اند. «نور فطرت، یکی از نعمت هایی است که باید شکر آن را بجا آوریم.» (۵). اینکه انسان به حکم فطرت بر خالق پدید آمده ای هستی (باران، بهار و ...) اعتراف می کند. شکی در آن نیست که انسان بالفطره خدانشناس است. ولی فطرت باید با تعقل و اندیشه همراه باشد تا بتواند انسان را نجات دهد. آثار تربیت اعتقادی فرض بودن وجود خدا بعنوان یک اصل این است که متربی به فطرت وجودی خویش آگاه است و می داند به حکم این اصل همه انسانها این ویژگی و یتانسیل را دارند که خدانشناسی و حق گرایی را در خود باز یابند و وجود خود را از نور فطرت آراسته کنند تا از بیشتر نایاکیها و آلودگیها بدور باشند.

ب: راههای روشن و قابل فهم اثبات وجود خدا

استاد مطهری، راههای اثبات وجود خدا را در سه بخش زیر دسته بندی کرده است: (۶)

۱. راه فطرت: کلمه فطرت، دلالت بر نوع ویژه می کند. در قرآن، تنها یک بار استعمال شده است (سوره روم، آیه ۳۰) و به معنای سرنوشت خاص و آفرینش ویژه انسان است و امور فطری یعنی آنچه که نوع خلقت و آفرینش انسان، اقتضای آن را داشته باشد.» (۷).

• قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا ۖ وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَىٰ (سوره طه، آیه ۱۲۶)

می‌فرماید: «همان طور که نشانه‌های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی، امروز همان گونه فراموش می‌شوی.» فراموش شدن انسان از طرف خدا به واسطه فراموش کردن خدا، عقوبتی است که در این آیه، به خاطر عدم توجه به آیات، به وجود آمده است.

امام صادق (ع) درباره جمله «آتتک آیاتنا» فرمود:

«امامان معصوم، آیات خدا هستند و کسی که آنان را ترک کند، روز قیامت در آتش رها خواهد شد.» (۸)

با توجه به مبنا و شواهد قرآنی روشهایی چون: تذکر، مثالی و تمثیل از روش‌هایی است برای متذکر شدن به بیروان. قرآن مجید با توجه این ویژگی همیشه به مسلمانان به شیوه تذکره و مذکر بودن پیامبر (ص) هشدار می‌دهد اثر تربیتی که این روش و مبنا و شواهد قرآنی برای متربی دارد این است که؛ متربی به اوامر و دستورات الهی بی‌اعتنایی نمی‌کند زیرا با فطرت خود دریافته است که تمام اوامر الهی برحق است و سرپیچی از دستورات عقوبت سختی دارد و در کنار آن انجام اوامر الهی پاداش دارد؛ زیرا خداوند برحق است و برای هر عمل خیر و شری پاداش و مکافات گذاشته است.

۱-۲: تغییر پذیری انسان. موضوع تغییر پذیری عواملی چون ترس و قطع امید از علل مادی، تضرع به درگاه خدا در مواقع سلب نعمت، گرایش به خدا در اضطراب و احساس خطر، گرایش به خدا در درماندگی و خطر و گرایش به خدا در مشکلات و سختی‌ها را در شرایط متفاوت و واکنشهای مختلف را برای انسان بوجود می‌آورد.

• فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَاُ اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ (سوره عنکبوت، آیه ۶۵)

و هنگامی که بر کشتی سوار می‌شوند، خدا را یا کدلان می‌خوانند، ولی چون به سوی خشکی رساند و نجاتشان داد، بناگاه شرک می‌ورزند.

از این آیه می‌توان دریافت که «اعتقاد به خداوند در فطرت انسان، ریشه دارد و با قطع امید از علل مادی، پرده غفلت، کنار می‌رود. «انسان معبود فطری را مشاهده می‌کند و از او یاری می‌طلبد» (۹)، ترس و قطع امید و یا ناامیدی، انسان را به خدا نزدیک می‌کند و زمانی که این حالت ترس برطرف شد، مجدداً از درگاه خدا رویگردان می‌شوند.

• يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (سوره فاطر، آیه ۱۵)

[http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A2%DB%8C%D9%87\\_15\\_%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87\\_7\\_%D9%81%D8%A7%D8%B7%D8%B1](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A2%DB%8C%D9%87_15_%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87_7_%D9%81%D8%A7%D8%B7%D8%B1)

ای مردم، شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است. ... فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (سوره آل عمران، آیه ۹۷)

یقیناً خداوند از جهانیان بی‌نیاز است. «نیازمندی انسان و بی‌نیازی خدا از تمام جهانیان» در این آیه به صراحت آمده است. نتیجه این آیه به عنوان مبنا فلسفی «انسان شناسی» موضوع تغییر پذیری انسان در نظر گرفته شده است.

چنین نیست که انسان با برخوردار شدن از نعمت‌های الهی مانند تعلیم به قلم و تعلیم از طریق وحی، شکرگزار او شود بلکه به جای شکر، طغیان می‌کند و یا را از گلیم خویش فراتر می‌نهد. قرآن علت طغیان انسان را بیان می‌کند. نمی‌گوید بی‌نیاز می‌شود بلکه می‌فرماید: بی‌نیاز می‌بیند تا اشاره کند که انسان و هیچ مخلوقی هرگز بی‌نیاز نمی‌شود و همواره محتاج لطف خداست.

طبیعی است کسی که خود را محتاج نمی‌بیند، هرگز به یاد خدا و شکر نعمت‌هایش نمی‌افتد. لذا به تدریج، خدا را فراموش می‌کند تا سرانجام سر به طغیان بر می‌دارد. «انسان چون خود را بی‌نیاز ببیند، طغیان می‌کند»

• كَلَّا ۚ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ (سوره علق، آیه ۶)

[http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A2%DB%8C%D9%87\\_6\\_%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87\\_7\\_%D9%81%D8%A7%D8%B7%D8%B1](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A2%DB%8C%D9%87_6_%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87_7_%D9%81%D8%A7%D8%B7%D8%B1)

حقاً که انسان سرکشی می‌کند، آن را

• اسْتَفْتَىٰ (سوره علق، آیه ۷)

[http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A2%DB%8C%D9%87\\_7\\_%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87\\_7\\_%D9%81%D8%A7%D8%B7%D8%B1](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A2%DB%8C%D9%87_7_%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87_7_%D9%81%D8%A7%D8%B7%D8%B1)

همین که خود را بی‌نیاز یندارد. «انسان ضعیف خلق شده است.» این گزاره با شواهد قرآنی به‌عنوان مبنا فلسفی «انسان شناسی» در محور گرایش فطری انسان به سمت خدا در مواقع خطر، وجود ناملاایمات و ترس، از قرآن مجید گرفته شده است.

• ... وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا (سوره نساء، آیه ۲۸)

و می‌داند که انسان، ناتوان آفریده شده است.

علی (ع) در این زمینه می‌فرماید:

«بیچاره فرزند آدم! اجلس پنهان، بیماری‌های پوشیده، اعمالش همه نوشته شده، پشه‌ای او را آزار می‌دهد، جرعه‌ای گلوگیرش شده، او را از پای در می‌آورد و عرق کردنی او را بدبو سازد.» (۱)

• أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ (سوره مرسلات، آیه ۲۰)

مگر شما را از آبی بی‌مقدار نیافریدیم؟

• فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (سوره مرسلات، آیه ۲۱)

پس آن را در جایگاهی استوار نهادیم.

پس: بی‌نیازی خداوند و نیازمندی انسان،

- طغیان کردن انسان در مواقعی که خود را بی‌نیاز می‌بیند،

- ضعیف خلق شدن انسان

به عنوان مبانی مهم فلسفی، برای روش‌هایی که در این قسمت آمد؛ تذکری، مثالی، تبیینی، تلفیقی (تبیینی-یرسشی) به منظور تبیین فطری بودن گرایش به خدا و خداپرستی انسان که نشانه آن، روی آوری به خدا در نیاز و ترس و سختی است و طغیان و سرکشی او در احساس بی‌نیازی و ضعیف و ناتوان بودن انسان است. مبانی فلسفی برگرفته از قرآن مجید یستوانه‌ای برای روش‌های مذکور در تبیین گرایش‌های فطری خدا جوایانه انسان است. آثار تربیت اعتقادی نشأت گرفته از مبانی تغییر پذیری انسان بطور اعم و متربی بطور اخص درمی‌یابد که چگونه در برابر این شرایط متغیر بر بی‌نیازی خدا خویش و فقیر و ضعیف بودن خویش پافشاری کند و به خود و دیگران نشان دهد که در شرایط بحران و بی‌نیازی سعی می‌کند طغیان نکند و به فطرت خداگرایی خویش متعهد باشد و در زمان بی‌نیازی شکر نعمتهای خویش باشد و با توجه به خصلت فطرت خداجویی خود و با اراده خویش در مقابل رویکردهای موقتی ایستادگی کند و قدرت عقلانی خود را برای تشخیص خوب یا بد بودن آن بکاربرد تا نتیجه مطلوب از آن حاصل شود.

۱-۳: محبت و رابطه انسان و خدا. در این قسمت، سومین محور از محورهای تبیین فطرت خداجویی در انسان که ذیل «راه فطرت» به عنوان یکی از راههای ساده خداشناسی آمده است، معرفی می‌شود. «انسان، تنها با یاد خدا، آرامش می‌گیرد» به عنوان یک مبنا فلسفی «انسان شناسی» شناخته شده است. این مبنا و

موضوع جدال احسن، آیاتی-آفاقی است برخی آیات در قرآن مجید به روش آیاتی و برخی به روش آفاقی به تبیین موضوعاتی در ابعاد مختلف و به منظور رسیدن به هدف تربیت و هدایت انسان پرداخته شده است. آثار تربیت اعتقادی این موضوع برای مرتبی این است که؛ مرتبی خود را ممکن الوجود میدانند و به عبارت دیگر عدم هستی او برابر است پس خداوند قدیم می تواند در یک چشم بهم زدن جهانی یا پدیده ای را خلق کند و خلق انسان هم از این امر مستثنی نیست. مرتبی با شناخت این ویژگی در می یابد که هیچوقت نباید دچار غرور و فخرفروشی به هموعان خود شود. او موجودی ترکیب از عدم و هستی است. شاید الان باشد و شاید الان و به یک چشم بهم زدن موجود نباشد.

۲-۲: برهان نظم: در قرآن مجید به بیان نظم و هماهنگی منسجم در طبیعت اشاره شده است. این برهان ما را به تأمل و سیر در پدیده های هستی برای درک وجود آفریننده ای توانا دعوت کرده است. با توجه به خلق مخلوقات، از قدیم بودن خداوند و حادث بودن انسان متوجه می شویم که همه جهان هستی با توجه به خدای قدیم و علیم، نظمی دارد و این نظم مبتنی بر برهان نظم است و این دلیل و برهان دیگری بر اثبات محکم وجود خداوند است. برهان نظم بر علم و تجربه استوار است. «طبیعت یک نظام یا سیستم منظم و هدفدار است». این گزاره به عنوان مبنای «خداشناسی» است.

برخی از آیات قرآن مجید ما را به تأمل و تفکر در نظم و هماهنگی در پدیده های گوناگون هستی دعوت میکنند این خود، راهی است که ما را به خداوند متعال و سرچشمه هستی، رهنمون می کند.

• وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِي وَأَنْهَارًا ۗ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ ۗ يُغْشِي اللَّيْلُ النَّهَارَ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (سوره رعد، آیه ۳)

و اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن، کوهها و رودها نهاد و از هر گونه میوه ای در آن، جفت جفت قرار داد. روز را به شب می پوشاند. قطعاً در این امور برای مردمی که تفکر می کنند نشانه هایی وجود دارد. مبنای دیگری که از برهان نظم میتوان استخراج کرد؛ «طبیعت، آیت الهی است» این گزاره نیز از «جهان شناسی- هستی شناسی» برگرفته از آیات قرآنی است که به خلقت آسمانها و زمین اشاره دارد.

• وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّعَالَمِينَ (سوره روم، آیه ۲۲)

و از نشانه های قدرت او آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبانهای شما و رنگهای شماست. قطعاً در این امر نیز برای دانشوران نشانه هایی است.

• وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (سوره دخان، آیه ۳۸)

و آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازی نیافریده ایم.

یعنی قطعاً هدف و مقصودی از این خلقت و نظم وجود داشته است "هستی هدفدار است و هدف آن، جز حق نیست" (۵)

روش تبیینی (آیاتی - آفاقی) روشی است که بر اساس آن شواهد قرآنی برای برهان نظم استفاده شده است. هستی شناسی مقدمه خداشناسی است. تربیت اعتقادی برهان نظم به مرتبیان و پیروان خود می گوید که این جهان عبث آفریده نشده است. مرتبی در می یابد چون او جزوی از این هستی می باشد پس او هم عبث آفریده نشده است و سعی میکند به دنبال هدفهایی باشد که او را به اصل خود متصل کند و از حاشیه و دنیاپرستی بدور باشد.

۳-۲: برهان هدایت. بعد از بیان برهان خلق و نظم در اثبات وجود خدا به برهان هدایت می پردازیم. یکی دیگر از راههای

شواهد قرآنی نشان می دهد که چگونه این ارتباط عاطفی و محبت، می تواند وجود فطرت خداشناسی را در انسان ثابت کند.

• وَعَلَّمُوا أَنْ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ ۗ لَوْ يَطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ ۗ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ ۗ الْأَيْمَانَ وَرَبِّنَهُ ۗ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ

[http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A2%DB%8C%D9%87\\_7\\_%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87%D8%AD%D8%AC%D8%B1%D8%A7%D8%AA](http://wiki.ahlolbait.com/%D8%A2%DB%8C%D9%87_7_%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87%D8%AD%D8%AC%D8%B1%D8%A7%D8%AA)

(سوره حجرات، آیه ۷)

و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست. اگر در بسیاری از کارها از رأی و میل شما بیروی کند، قطعاً دچار زحمت می شوید، لیکن خدا ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید و آن را در دلهای شما آراسته نمود و کفر و یلیدکاری و سرکشی را در نظراتان ناخوشایند ساخت. آنان که چنین اند ره یافتگانند.

در این آیه، خداوند به محبوب شدن ایمان در قلوب مؤمنین اشاره کرده است. هر کس که چنین باشد چون به اقتضای فطرتش رفتار می کند لذا به هدایت و رشد دست پیدا می کند.

• أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (سوره رعد، آیه ۲۸)

همان کسانی که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد.

بی تردید، یاد خدا و محبت به او، آرامش بخش دل انسان است و او که بدون آموختن و یاد گرفتن و فقط با یاد او در قلبش برقرار می شود، نشان از فطری بودن این کشش و جاذبه است. روش تبیینی (آیاتی-انفسی) در موضوع محبت خداوند و زینت بخشی قلوب با یاد او که بر فطری بودن خداشناسی و خداجویی دلالت دارد از قرآن مجید گرفته شده است.

در ادامه به آثار تربیت اعتقادی رابطه و محبت خدا و انسان اشاره کردیم؛ مرتبی در عین فطری بودن به گرایش های عاطفی نسبت به خدا، خود را فقیر و خدای خویش را غنی می داند و به او متوسل می شود و همین توسل به خالق خویش باعث آرامش درونی او می گردد. محبت به خداوند ایمان قلبی را در مرتبی ایجاد می کند. مرتبی در تلاطم سختی های زندگی با یاد او آرام می شود و می داند کسی هست که او را کمک کند و او تنها نیست؛ زیرا در قرآن شنیده است که ما از رگ گردن به شما نزدیکتریم.

۲: راه علمی و تجربی (شبه فلسفی): از دیگر راههای روشن اثبات وجود خدا راه علم و تجربه است. راه دوم که بر اساس علم و تجربه، پیش می رود خود به سه بخش، منشعب می شود؛ و با استناد به این سه بخش و روشهای مربوط به آن به نتیجه گیری آثار تربیت اعتقادی حاصل از آنها خواهیم پرداخت.

۱-۲: برهان خلق: اولین برهان، برهان خلق و ایجاد است. در خلق و ایجاد پدیده های هستی حدوث و پیدایش دیده می شود؛ به عبارت دیگر همه جهان هستی حادث است و خداوند قدیم مطلق که هر دو اینها در اثبات وجود خدا آورده شده است و این گزاره منبعث از برهان خلق «خداوند آفریدگار تمام هستی است» و مبتنی بر «خداشناسی» است.

• الَّذِي خَلَقَ قَسْوَى (سوره اعلی، آیه ۲)

همان که آفرید و هماهنگی بخشید.

• بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (سوره بقره، ۱۱۷)

او پدید آورنده آسمانها و زمین است و چون به کاری اراده فرماید فقط می گوید موجود باش پس فوراً موجود می شود.

یا تأمل در این آیه در می یابیم که:

آفرینش خداوند، همواره بدیع و ابتکاری است یعنی خداوند می تواند در یک لحظه، همه هستی را بیافریند (۵).

بنابراین او نیکو گرداننده ای است و همه آفریده های جهان تغییر پذیرند و هر تغییری پذیری حادث است. روشهای مربوط به این

آنچه پیش شماسات تمام می‌شود و آنچه پیش خداست پایدار است و قطعاً کسانی را که شکیبایی کردند به بهتر از آنچه عمل می‌کردند، پاداش خواهیم داد.

و آنچه نزد شماسات به پایان می‌رسد و آنچه نزد خداست، باقی و پایدار می‌ماند و جز خدا، هیچ کس و هیچ چیز باقی نیست. (۵) روش خطایی و تبیینی (آیاتی انبی) یا (جزئی به کلی - استقرائی) به منظور تبیین و خبر از یک موضوع مهمی و اعلام نتیجه یا خبر دیگری مخاطب خود را از آن مطلع و آگاه می‌سازد. روش معلول به علت خبر از فانی بودن موجودات می‌دهد و در واقع استدلالی است که مخاطب خود را اقتناع می‌کند.

«فقر ذاتی کائنات در خلق زوجیت و فرار از فقیر به غنی (انسان به خدا) عمیق ترین برهان در اثبات وجود خداست. این گزاره «جهان شناسی» که به خلق زوجیت در هستی (کائنات) اشاره دارد از قرآن مجید گرفته شده است.

• وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (سوره ذاریات، آیه ۴۹)

و از هر چیزی دو گونه یعنی نر و ماده آفریدیم، امید که شما عبرت گیرید.

• فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ ۖ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (سوره ذاریات، آیه ۵۰) پس به سوی خدا بگریزید، که من شما را از طرف او بیم‌دهنده‌ای آشکارم.

در سوره ذاریات و آیه ۴۹، زوجیت، موجودیت و کیان هر موجودی است جز خدای متعال، همچنین در آیه ۵۰ به فرار از موجود فقیر (انسان) به سوی غنی (خدا)، امر شده است؛ و این فقر ذاتی در اینجا به خاطر زوجیت که مخصوص موجودات است، در خداوند راهی ندارد و یکی از عمیق ترین براهین است که می‌توان آن را مبنای برهان امکان و وجوب در نظر گرفت؛ و بر روش های تبیینی، آیاتی - انبی، خطابی تاکید نموده است. آثار تربیت اعتقادی این برهان با توجه به اهمیت فلسفی آن نشان می‌دهد که تربی به ارزش وجودی خود پی برده است زیرا وجودش نمادی از خدا و قابل ارزش است اما در عین حال وابسته و فانی. پس تربی خود را موجودی نیازمند و وجود خدا را بی نیاز مطلق می‌داند.

۲-۳: برهان صدیقین  
برهان صدیقین مدعی است خداوند را نه از معلول، بلکه از خودش باید شناخت. معلول نشان ضعف و ناقصی و علت نشان کمال و قوت است. برهان لمی استدلال از علت به معلول و برهان انی از معلول به علت در باب اثبات وجود خدا و تکمیل کننده برهان صدیقین است. به گفته علامه طباطبائی، معتبرترین و قوی ترین برهان برای رسیدن به خداست. قرآن مجید از طریق دعوت انسانها به سیر آفاقی (جهان بیرون) و سیر انفسی (جهان درون - نفس) از معلول به علت که همان خدای متعال است، رهنمون می‌سازد.

«خداوند ازلی و ابدی است» این گزاره «خداشناسی» به عنوان مبنای فلسفی برای در موضوع اثبات و شناخت خدا از طریق خدا، از قرآن مجید گرفته شده است.

• هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (سوره حدید، آیه ۳)

اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست. در مورد آیه فوق در تفسیر جامع چنین آمده است.

-خداوند بر همه چیز محیط است و شناخت شیء محاط بدون محیط امکان پذیر نیست.

-سایر وجود ها در پرتو وجود خداوند معنا پیدا می‌کند

-به هر سویی رو می‌کنیم، جلوه ای از خداست و خدا به همه چیز داناست.

با روشهایی چون تلفیقی (تبیینی - پرسشی)، آیاتی (انی - لمی) در موضوع اثبات و شناخت خدا در قرآن مجید بارها بیان شده است. تربیت اعتقادی این قسمت برهان صدیقین این است که تربی می‌داند هر معلولی در پدیده های طبیعت به دنبال علتی می‌آید و

ساده اثبات وجود خدا، راه مبتنی بر علم و تجربه است که برهان هدایت ذیل آن بحث می‌شود. با یک نگاه ساده به جهانی که در آن زندگی میکنیم به این حقیقت میرسیم که جهان هستی، اتفاقی نیست بلکه تمام پدیده ها، با یک نظم خاصی، به سوی مقصد معینی در حرکت اند. برهان هدایت نشان می‌دهد که طرز کار اشیاء، نتیجه ی جبری ساختمان مادی موجودات نیست. بلکه یک جاذبه و کششی وجود دارد که همان جاذبه و کشش، اشیاء را در مسیری که میروند هدایت می‌کند. «خداوند، خالق و هدایت کننده تمام هستی است». این گزاره، به عنوان مبنای فلسفی «خداشناسی» است. روش تبیینی (آیاتی - انفسی) در برهان هدایت از جمله راههای مبتنی بر علم و تجربه - شبه فلسفی اثبات وجود خدا می‌باشد.

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ حَلَقَهُ ۖ ثُمَّ هَدَىٰ ۚ (سوره طه، آیه ۵۰)

موسی پاسخ داد که خدای ما آن کسی است که همه موجودات عالم را نعمت و وجود خاص خودش بخشیده و سپس به راه کمالش هدایت کرده است.

گفت: «پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است.

«برهان هدایت، به نوع رشد و تکامل موجودات زنده، توجه می‌کند که گویی دستی از ماورا، آنها را در مسیر معینی پیش می‌برد.» (۶)

در تربیت اعتقادی نشأت گرفته از برهان هدایت و مبنای فلسفی آن میتوان اینگونه اشاره کرد؛ انسان بطور اعم و متربی بطور اخص به هدایت و تدبیر الهی معتقد و نیازمند است؛ زیرا انسان تمام و کامل نمی‌شود مگر به تدبیر پی در پی خداوند در اموراتش.

۳- راه فلسفی: راه سوم از راههای اثبات وجود خدا راه فلسفی است. متکلمان و فیلسوفان برای اثبات وجود خدا، به تدوین براهین مختلفی پرداخته اند. راه فلسفی، نیازمند مقدمات عقلی است. از آنجا که راه فلسفی، نیازمند به مقدمات عقلی است لذا به جایگاه عقل و برهان و حجت های عقلانی اشاره می‌شود. در قرآن مجید، خداوند متعال، انسان را، صاحب عقل و خرد، خطاب نموده است.

• قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (سوره بقره، ۱۱۱) بگو: «اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بیاورید.»

۱-۳: برهان وجوب و امکان سینوی: این برهان فلسفی آیاتی را از راه فنا و امکان اشیاء به وجود خدا استدلال می‌کند. موجودی که هست یا ممکن الوجود است یا واجب والوجود. اگر واجب الوجود هست پس قادر و غنی محض است و اگر ممکن الوجود است، باید به واجب الوجود منتهی شود. ممکن الوجود بودن انسان و نیاز و وابستگی دائمی اش به خدا، نشان دهنده و دلیل بر وجود صانع است. «وابستگی ذاتی همه موجودات در حدوث و بقا، دلیل بر وجود خداست» این گزاره «انسان شناسی - خداشناسی» که برگرفته از آیات قرآن مجید می‌باشد و به فقر ذاتی انسان و بی نیازی مطلق خدا، اشاره می‌کند؛ بنابراین اساس برهان امکان و وجوب وابستگی ممکنات به وجودی است که قائم بالذات باشد

• يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (سوره فاطر، آیه ۱۵)

ای مردم، شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است. «دعوت خدا از مردم، نشانه نیاز او به مردم نیست همانگونه که اگر گفتیم، مردم، خانه های خود را رو به خورشید بازند، این دعوت نشانه نیاز خورشید به ما نیست، بلکه نشانه نیاز ما به نور است.» (۵)

مقصود از این آیه، نیاز موجودات از همه جهات به ذات باری تعالی و وابستگی وجودی آنها به او است

• مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ ۚ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ ۚ (سوره نحل، آیه ۹۶)



توحید صفاتی یعنی متصف شدن به صفات و فضایل اخلاقی نیکو و انسانی است. چه زیباست مرتبی تمام این صفات الهی را با جان خود، پاور کند و حضور او را در اعمال و نیات خود احساس نماید، آن وقت امکان ندارد از جاده؛ بندگی خارج شود و دست به طغیان بزند. همانطور که در بالا متذکر شدیم توحید صفاتی به صفات و فضایل اخلاقی نیکو اشاره دارد و مقدمه ای است برای افعال باری تعالی که در قرآن به توحید افعالی اشاره دارد.

پ: توحید افعالی: توحید افعالی توحید در (۱) خالقیت یعنی باور به اینکه هر چیزی در جهان آفریده شده است مخلوق خداست. (۲) ربوبیت یعنی خداوند تدبیر کننده و نظم دهنده جهان و همه موجودات آن است. «خالقیت و تدبیر از هم جدا نیستند» «خداوند پروردگار تمام هستی است»، «خداوند خالق تمام هستی است». بر مبنای «خداشناسی» است.

• اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (سوره زمر، آیه ۶۲)

خدا آفریدگار هر چیزی است و اوست که بر هر چیز نگهبان است.

در قرآن مجید، خداوند، آفریدگار و خالق تمامی امور معرفی شده است. همچنین در آیات بی شماری به خالقیت و آفریدگار تمام هستی بودن اشاره دارند.

• لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ۚ فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (سوره انبیاء، آیه ۲۲)

اگر در آنها (زمین و آسمان) جز خدا، خدایانی دیگر وجود داشت، قطعاً زمین و آسمان تباہ می‌شد. پس منزّه است خدا، پروردگار عرش، از آنچه وصف می‌کنند.

«آیا وجود خدایان را رد می‌کند و ثابت می‌کند الله، هم خالق و هم مدبّر عالم است. اگر فرض شود در آسمانها و زمین غیر از الله، رب های دیگری هستند حتما باید بین آنها تفاوت ذاتی وجود داشته باشد و الا چند خدا نمی‌شدند. برای توحید افعالی و بررسی شواهد قرآنی آن از روش تبیینی، تاریخی (آفاقی - انفسی)، پرسشی و طرح سؤال مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تربیت اعتقادی که می‌توان از این موضوع و مبنای فلسفی آن گرفت این است که با پرسشگری و طرح سوال می‌توان با چالش های متعددی در زندگی روبرو شد. با سوالات متعدد می‌توان ذهن فراگیر را به چالش کشید تا با تفکر در آیات قرآنی و عکس العمل آن در زندگی، تشخیص راه را بر خود آسان کند. آثار تربیت اعتقادی در این قسمت نشان می‌دهد که مرتبی از شواهد قرآنی در می‌یابد که خداوند تدبیرگر این جهان و آن جهان است و در همه امور اختیار و اراده افعالی دارد. مرتبی در می‌یابد علاوه بر تلاش و همدگراری که خود در این جهان برای زندگی خود انجام می‌دهد کسی دیگری نیز هست که بر زندگی او نظارت و رفت و آمد دارد تا مرتبی خود را تنها احساس نکند.

ت: توحید عبادی. «توحید عبادی به این معناست که غیر از خدا معبودی نیست و فقط خدا شایسته عبادت است» (۱۲). توحید در عبادت از نوع "توحید عملی" است. این موضوع با توجه به مبنای فلسفی «راز آفرینش انسان، در پرستش و عبادت خداست» «انسان شناسی - خداشناسی»

• شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ ۗ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (سوره آل عمران، آیه ۱۸)

خدا که همواره به عدل، قیام دارد، گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست؛ و فرشتگان او و دانشوران نیز گواهی می‌دهند که: جز او، که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست.

در این آیه، اقامه شهادت کرده است بر نداشتن خداوند به شریک در عبادت و بی‌نیاز بودن او به عبادت و همه حق است و نباید در آن تردید کرد.

هرچه در زندگی فردی و اجتماعی مرتبی بوجود می‌آید بدلیل رفتارها و واکنشهایی بوده است که در گذشته انجام داده است. پس مرتبی سعی می‌کند اعمال و کردارهایی را انجام دهد که خداپسندانه و در راه کمک به هموعان خود باشد زیرا می‌داند زندگی عمل و عکس العمل است و به این موضوع اعتقاد قلبی دارد.

۲- روش های تبیین توحید (مراتب آن) و معرفی خدا

توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید افعالی، توحید عبادی و توحید تشریحی.

الف- توحید ذاتی: اولین مرتبه از مراتب توحید است. «یکی از معانی توحید ذاتی، این است که ذات خداوند، تعدد و دوگانگی بر نمی‌دارد؛ و معنی دیگر آن اعتقاد به یگانه و بی‌همتا بودن خداوند و مثل و مانند و جایگزین نداشتن اوست» (۱۱). «خداوند یگانه است، خدا یکی است». این گزاره به عنوان مبنای «خداشناسی» توحید ذاتی در قرآن مجید بارها بیان شده است.

• قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (سوره اخلاص، آیه ۱)

یعنی: بگو خداوند یگانه است.

• وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ (سوره اخلاص، آیه ۴)

یعنی: و هیچ کس همتای او نیست.

روش های تبیینی (آیاتی، لمّی، تفلیقی (آیاتی، آفاقی و انفسی) - پرسشی، گفت و گویی بیرونی درونی با شواهد قرآنی به بیان این توحید پرداخته است. این گفتگوهای قرآنی که مخاطب آنها، نفس انسان است و معمولا بین خدا و نفس انسان است و انسان را وادار به تفکر و اندیشه می‌کند و در واقع توصیه به گفت و گوی درونی دارد.

تربیت اعتقادی که در رابطه با توحید ذاتی، وجود دارد این است که؛ در قرآن بارها از یکپارچگی و واحد بودن جهان طبیعت یاد شده است؛ و به تبع واحد بودن جهان طبیعت و نام آن به جهان اکبر و انسان به جهان اصغر. یاد شده و می‌توان انسان را بطور عام و مرتبی را بطور خاص نمونه ای از جهان هستی در نظر گرفت و او را دارای طبیعتی یکپارچه دانست و این یکپارچگی طبیعت خود را مدیون خدای خویش می‌داند و با احساس وجود شاهکار خدا درنظم درونی خود به توحید ذاتی خداوند پی خواهد برد.

ب- توحید صفاتی: وقتی ذات خداوند یکی است و از یکپارچگی خاصی برخوردار است. مطمئناً صفاتی وجود دارد که تأییدکننده و تکمیل کننده آن باشد و در قرآن به آن توحید صفاتی می‌گویند: «خداوند در صفات، یگانه است، صفات خدا عین ذات خداوند است». این دو گزاره مبنای مهم «خداشناسی» در توحید صفاتی است.

• يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (سوره فاطر، آیه ۱۵)

ای مردم، شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است.

توحید صفاتی در نهج البلاغه

حضرت علی علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه می‌فرماید: کمال توحید، شهادت بر یگانگی خدا، اخلاص و کمال اخلاص، خدا را از صفات مخلوقات جدا کردن است؛ زیرا هر صفتی نشان می‌دهد که غیر از موصوف و هر موصوفی گواهی می‌دهد که غیر از صفت است. پس کسی که خدا را با صفت مخلوقات تعریف کند، او را به چیزی نزدیک کرده و با نزدیک کردن خدا به چیزی دو خدا، مطرح شده و با طرح شدن دو خدا، اجزایی برای او تصور نموده و با تصور اجزا برای خدا، او را نشناخته است» (۱)

توحید صفاتی با روش های تبیینی، پرسشی (انفسی)، تاریخی، پرسشی (آیاتی - آفاقی)، آیاتی (آفاقی - انفسی) جدال احسن، به آن پرداخته شده است و برخی شواهد و مستندات قرآنی آن هم آورده شده است. «صفات الهی مصادیق جداگانه ای از یکدیگر و از ذات الهی ندارند» اینها مفاهیمی هستند که عقل از مصداق واحد بسطی که همان ذات مقدس الهی است، انتزاع میکند. اعتقاد به





است. با بهره گیری از روش های تبیین توحیدی و مراتب آن دریافتیم که خدا یکی است و متربی با احساس تعهد به وجود فطری درونی خود به کمال اخلاص رسیده و به فضایل اخلاقی نیکو و پسندیده مزین شده و فعل خدا را در توحید عملی و تسلیم به امر او یا به عبارت دیگر توحید را در عبادت خود جاری می بیند و نتیجه عبادتی می شود توأم با اراده و اختیار. وقتی اعتقادی توحیدی متربی به مرحله عمل و اراده تبدیل شد فرمانی جز فرمان خدا را نمی پذیرد و حکم و امر و نهی را مختص خدا می داند. با خدای خویش ارتباط و محبت درونی برقرار می کند و مبنای این ارتباط را خداشناسی می داند و در می یابد هرچه روح او پاک تر باشد به خدای خویش نزدیکتر بوده و در این نزدیکی با خدا آرامش می گیرد؛ و در این آرامش به اصلاح و بهبود زندگی خود می پردازد؛ و لازمه یاد خدا را همیشگی می داند.

بنابراین متربی خدا را نه تنها در زمان ضرورت و نیاز بلکه در زمان نزول نعمت هم درک می کند. با تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در محیطهای مختلف؛ در اجتماع، بین خانواده و دوستان از بینش الهی خود در جهت نشست و برخاست با افراد لایق و شایسته استفاده می کند؛ زیرا از آیات و شواهد قرآنی دریافته است که معاشرت با افراد نااهل آثار سوء تربیتی و عقیدتی دارد. متربی درمی یابد که قرآن مجید یک مکتب انسان ساز و هدفمند در جهت سعادت دنیوی و اخروی است.

## References

1. Nahj al-Balaghah, (2003), (Mohammad Dashti, translator), 13th edition, Qom: Amir Al-Mounin Cultural Research Institute.
2. Mohammad Rey Shahri, Mohammad, (1998), Mizan al-Hikma, (Hamid Reza Sheikhi, translator), second edition, Qom: Dar al-Hadith Publications.
3. Mashai, Venus; (2007), Methodology of the belief system in the Qur'an, "Unpublished doctoral dissertation", Qom: Qom University.
4. Ghaffari, Hossein, (1359), Answers to school questions, Tehran: Hekmatfayz Kashani, Mullah Mohsen, (1415 AH), Tafsir al-Safi, second edition, third volume, Tehran: Sadr.
5. Qaraati, Mohsen, (2004), Tafsir Noor (10 volumes), Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran.
6. Motahari, Morteza, (1998), Collection of Works, Volume 4, Tehran: Sadra.
7. Javadi Amoli, Abdullah, (2010), Nature in the Mirror of the Quran, Journal of Religious Anthropology, Volume 7, Number 23, pp. 28-5.
8. Klini, Mohammad Ibn Ya'qub, (Ibn Ja'far), (1369), Sufficient Principles, (Javad Mostafavi, translator), Volume One, Tehran: Islamic Theology.
9. Javadi Amoli, Abdullah, (2016), Tawhid in the Quran, Qom: Esra '.

آیا کسی که بر هر شخصی بدانچه کرده است مراقب است مانند کسی است که از همه جا بی خبر است؟ و برای خدا شریکانی قرار دادند. بگو: «نامشان را ببرید» آیا او را به آنچه در زمین است و او نمی داند خبر می دهید، یا سخنی سطحی و میان تهی می گویند؟ چنین نیست بلکه برای کسانی که کافر شده اند نیرنگشان آراسته شده و از راه حق بازداشته شده اند و هر که را خدا بی راه گذارد رهبری نخواهد داشت.

در برخی از آیات قرآن مجید، خداوند به معرفی انکار کنندگان خدا و نشانه های حقانیت خدا، می پردازد  
 • وَ لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۖ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (سوره بقره، آیه ۹۹)

و همانا بر تو آیاتی روشن فرو فرستادیم و جز فاسقان کسی آنها را انکار نمی کند.

«هر انسان پاکدلی به حقانیت آیات روشن قرآن پی برده و ایمان می آورد. فقط فاسقان که از فطرت خدایی منحرف شده اند، همواره به آن کفر می ورزند.

بنا براین علت کافر بودن آن ها، فسق شان است که موجب شده از راه بندگی خدا خارج شوند. (۱۰)

روش های تبیینی و خطابی و مستندات قرآنی مبنی بر نهی از معاشرت با منکران خدا بر این استوار است. قرآن مجید اساس هدایت و تربیت را مبنی بر باید ها و نباید ها می داند و آثار تربیتی اعتقادی تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در محیط های مختلف و از راههای گوناگون و از طریق افراد متفاوتی صورت می گیرد. از قبیل خانواده، اجتماع، مریبان و معلمان، دوستان و هم نشینان و کسانی که با آنها معاشرت می کنیم. تعامل و معاشرت با منکران خدا می تواند آثار سوء تربیتی و عقیدتی برای متربیان به همراه داشته باشد. متربی فردی در حال رشد است و در حال شکل گیری شخصیتی. متربی در این شرایط از دیگران تأثیر می پذیرد لذا لازم است از معاشرت با افراد نالایق با او جلوگیری بعمل بیاوریم و قرآن مجید شیوه ها و راههایی را برای به تصویر کشیدن عواقب نشستن با نااهل را به متربیان بیان نموده است و از طرفی مریبی هم با استناد به این سوره ها و آیات می تواند متربیان را آگاه سازد تا مریبان پیام رسان روشهای شناخت و باورمندی توحید باشند و متربی مرید و اجرا کننده این پیامها تا زندگی مبتنی بر سعادت دنیوی و اخروی داشته باشند.

## نتیجه گیری

در این پژوهش به روش های تربیت اعتقادی شناخت و باورمندی سازی توحید بر اساس مبانی فلسفی پرداخته شد. برای هر کدام از موضوعات، مبانی فلسفی و روشهای آنها بیان گردید. سپس براساس هر کدام از مبانی، آثار تربیت اعتقادی برای آنها مشخص شد. بدین ترتیب که؛ در رابطه با اثبات وجود خدا با مبانی انسان دارای فطرت الهی است، با روش بیدار نمودن فطرت و طرح سؤال به حکم فطرت با شواهد قرآنی به آثار تربیت اعتقادی خداگرایی و خداشناسی فطری متربی دست یافتیم. متربی با نور فطرت خود را از آلودگیها و ناپاکی دور کرد؛ و با شواهد قرآنی نیز بر مبنای فلسفی «خداوند بی نیاز و انسان نیازمند است» متربی دریافت که او نباید بی نیازی مطلق خدا و نیازمندی محض خود را در برابر خواست و اراده خدا دست کم بگیرد و بر مبنای «انسان چون خود را بی نیاز بیند، طغیان می کند» متربی نباید فقط خداوند را در زمانهای ناگواری و خطر صدا بزند و ویژگی فراموشکاری را در حین ناگواری داشته باشد و دست به طغیان بزند؛ زیرا متربی می داند خداوند، خالق و مدبر و بی نیاز از اوست. در قسمت بعدی و دلیل و اثبات وجود خدا به راههای فلسفی پرداخته شد و برهان سینوی به دو صورت بی نیازی مطلق خدا و نیازمندی و فقیر بودن انسان در حادث و قدیم خبر می دهد و در واقع اینها استدلال هایی هستند در جهت وابستگی ممکنات به وجودی که قائم بالذات

10. Tabatabai (Allama), Mohammad Hussein; Makarem Shirazi, Nasser, (2007), Summary of the interpretations of the Holy Quran (Al-Mizan, sample), research and summary, Abbas Poursif, second edition, Tehran: Shahed Publishing. (Martyr Foundation and Veterans Affairs ).
11. Sobhani Tabrizi, Jafar, (1998), The Image of a Perfect Man, Qom: Islamic Propaganda Office.
12. Javadi Amoli, Abdullah, (2016), Thematic Interpretation of the Qur'an, Seventh Edition, Volume 12, (Nature in the Qur'an), Qom: Esra '.
13. Mohammadi Rey Shahri, Mohammad, (2012), Encyclopedia of Quran and Hadith, Volume Five, Qom: Dar al-Hadith Cultural Institute.
14. The Holy Quran, (1997) (1418 AH), (Mohammad Mehdi Fooladvand, translator), third edition, Tehran: Office of History and Islamic Studies.